

## گفت‌وگو / حجاب و عفاف و امنیت اخلاقی

عضو هیأت علمی موسسه امام خمینی (ره) گفت: دولت اسلامی به استناد قوانین بالادستی نظام موظف به تأمین زمینه‌ها و بسترهای لازم جهت پذیرش حداکثری حجاب و عفاف در جامعه است.

**اشاره:** این‌که الزام عملی به رعایت حداکثری حجاب و عفاف همچون سایر ارزش‌ها و هنجارهای محوری و کانونی، شاخص‌گویی از میزان و درجه هدایت یافتگی جامعه بر مدار باورها و ارزش‌های دینی و اسلامی است و دولت اسلامی نیز به استناد قوانین بالادستی نظام موظف به تأمین زمینه‌ها و بسترهای لازم جهت توسعه و تعمیق فضایل اخلاقی، استکمال معنوی، تعالی روحی و التزام به رعایت ارزش‌های انسانی در مسیر وصول همگان به تقرب و سعادت غایی است. از این‌رو، تردیدی نیست که حفظ و حراست و ارتقاء امنیت اخلاقی در جامعه جزو برجسته‌ترین وظایف شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای فرهنگی\_امنیتی است.

آنچه در ادامه می‌آید حاصل گفت‌وگوی مفصل خبرنگار خبرگزاری رسا با دکتر سید حسین شرف‌الدین دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است که تقدیم خوانندگان محترم و پژوهشگران عرصه حجاب می‌شود.

**رسا- باتوجه به دیدار مقام معظم رهبری با شورای عالی امنیت ملی، مسأله حجاب چگونه می‌تواند ذیل این سازمان تعریف شود؟**

پاسخ به این سوال، مستلزم توجه به چند نکته است: نکته اول اینکه رعایت حجاب (و عفاف) در چارچوب ضوابط شرعی و قانونی از جمله پیش‌نیازها و محمل‌های تحقق امنیت ذهنی، روانی، اخلاقی و ارتباطی در جامعه است و متقابلاً بی‌حجابی و بدحجابی به ویژه در شکل لجام‌گسیخته و کنترل‌ناشده آن به دلیل تبعات گسترده مخرب از جمله عوامل تضعیف‌کننده و تهدیدکننده این نوع امنیت در فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه متناسب با سطح انتظار است؛ نکته دیگر این‌که دولت اسلامی، به اقتضای وظایف ذاتی و ضرورت‌های کارکردی ملزم و موظف به تأمین گونه‌های مختلف امنیت (جانی، مالی، حیثیتی، روانی، شغلی یا امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارتباطی) از جمله امنیت اخلاقی برای عموم شهروندان در بالاترین سطح ممکن است. تشکیل پلیس اخلاق در نیروی انتظامی نیز با هدف تأمین این مهم صورت گرفت.

نکته سوم این که رعایت حجاب (بویژه برای بانوان) در کشور ما علاوه بر الزامات شرعی، عرفی و اخلاقی، به دلایلی چند در سال‌های اخیر به یک الزام قانونی و حاکمیتی و رسمی نیز مقید شده و بالطبع به اقتضای این موقعیت اعتباری، دولت اسلامی موظف خواهد بود با توسل به ساز و کارهای فرهنگی، اجتماعی، نظارتی و کیفری تعریف شده در راستای تأمین این مهم متناسب با انتظارات عرف متشرعان و فقه اسلامی، همه اقدامات مقتضی را صورت دهد.

### حجاب و عفاف هنجاری فرهنگی و مذهبی

نکته چهارم، در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، حجاب و عفاف اسلامی به مثابه یک هنجار فرهنگی و مذهبی مورد احترام اکثریت قاطع جامعه، برغم پیشینه تاریخی کهن، پشتوانه فطری و طبیعی، ضرورت کارکردی مبرم و اقدامات فرهنگی گسترده نهادهای مسئول در جهت اقناع سازی توده‌ها، آن‌گونه که انتظار می‌رفت در عمل به یک ارزش فرهنگی اجتماعی بلامنازع تبدیل نشد و عده‌ای به هر دلیل ممکن، تمایل چندانی به همسویی با اکثریت و تمکین این مطالبه جمعی از خود نشان نمی‌دهند. بدیهی است که دولت اسلامی نمی‌تواند نسبت به این هنجارشکنی فزاینده و گستاخانه و خواست و مطالبه اکثریت مبنی بر برخورد قاطع با عوامل دخیل در این تمرد اجتماعی، بی‌اعتنا و بی‌توجه باشد

نکته پنجم این که الزام عملی به رعایت حداکثری حجاب و عفاف همچون سایر ارزش‌ها و هنجارهای محوری و کانونی، شاخص‌گویی از میزان و درجه هدایت یافتگی جامعه بر مدار باورها و ارزش‌های دینی و اسلامی است و دولت اسلامی نیز به استناد قوانین بالادستی نظام موظف به تأمین زمینه‌ها و بسترهای لازم جهت توسعه و تعمیق فضایل اخلاقی، استکمال معنوی، تعالی روحی و التزام به رعایت ارزش‌های انسانی در مسیر وصول همگان به تقرب و سعادت غایی است. از این‌رو، تردیدی نیست که حفظ و حراست و ارتقاء امنیت اخلاقی در جامعه جزو برجسته‌ترین وظایف شورای عالی امنیت ملی است.

### رسا- بی‌حجابی در جامعه اسلامی دارای چه جنبه‌هایی است؟

از دید برخی کارشناسان، تظاهر به بی‌حجابی، دست کم در برخی مصادیق و توسط برخی گروه‌ها، بیش از آن‌چه نمایان‌گر یک علقه شخصی و معرف نوعی سبک زندگی باورمندانه و ترجیحی باشد، نمایان‌گر نوعی واکنش و پرخاش سیاسی، نوعی واگرایی و رهایی از پذیرش گفتمان فرهنگی حاکم و نوعی مقاومت در

برابرفشار ارزشی و هنجاری عرف غالب است. بالطبع دلالت‌های سیاسی این رفتار فرهنگی، نهادهای امنیتی را نسبت بدان حساس ساخته و به اقدام برانگیخته است.

نکته دیگر این‌که بی‌اعتنایی آگاهانه یا ناآگاهانه و اهمال در تمکین قواعد شرعی و عرفی این حوزه، و تأمین انتظارات متعارف، جلوه آشکاری از نفوذ و تاثیر پروژه گسترده تهاجم فرهنگی دشمن است که در ساحت‌های مختلفی تبلور یافته و این خود در امنیتی شدن موضوع حجاب و عفاف بی‌تاثیر نبوده است. نکته آخر این‌که بی‌اعتنایی عملی به رعایت قواعد فقهی، اخلاقی و عرفی در ابعاد نمایشی و جلوه‌های رفتاری حجاب و عفاف، خود هم معلول عوامل متعددی است و هم مستقیم و غیر مستقیم در بروز طیفی از انحرافات رفتاری و معضلات پیرامونی، علیت و عاملیت دارد. برخی از این عوامل پیرامونی نیز به دلیل اقتضائات خاص، در امنیتی ساختن موضوع و ایجاد حساسیت در نهادهای حاکمیت بی‌تاثیر نبوده که به دلیل ضیق مجال از ورود بدان اجتناب می‌کنیم.

**رسا- چه علل و عواملی را در ایجاد و تشدید وضعیت نه چندان مناسب حجاب و عفاف در جامعه، مؤثر می‌دانید؟**

به طور کلی، دو دسته عوامل را در این خصوص می‌توان دخیل دانست که ترجیحاً برای اجتناب از آشفتگی بحث، باید آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. بخشی از عوامل به افراد و اشخاص و جنبه‌های بیولوژیکی، غریزی، روانی، تربیتی و نگرشی افراد یا عاملان و برخی به زمینه‌ها و عوامل ساختاری اعم از فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، ارتباطاتی، رسانه‌ای مربوط می‌شود. به بیان دیگر، بخشی از عوامل در سطح فرد جلوه و نمود یافته و قاعدتاً واحد مطالعه آن‌ها احوال و عوارض فردی- قطع نظر از نحوه ارتباط آن‌ها با زمینه‌ها و ظرفیت‌های محیطی- است.

### **امپریالیسم فرهنگی عاملی مؤثر در برهنگی**

بخش دیگر در سطح کلان جامعه و واقعیت‌های فرافردی ظهور و بروز دارد و واحد تحلیل آن، موجودیت‌های نهادی و ساختاری و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها یا خلاءها و کاستی‌های محیطی است. علاوه بر این‌که محیط نیز هر چند در مطالعات اجتماعی، غالباً به واحد سیاسی دولت- ملت و قلمرو فرهنگی اجتماعی یک جامعه و کشور به عنوان قلمرو ملی در مقابل قلمرو محلی، منطقه‌ای و جهانی محدود می‌شود اما تردیدی نیست که امروزه،

بسیاری از مسائل و معضلات به ویژه فرهنگی واحدهای ملی، بیش از زمینه‌ها و کاستی‌های داخلی، از عوامل فراملی و جهانی و روند موسوم به جهانی شدن و مشخصاً امپریالیسم فرهنگی نشات می‌گیرد.

پذیرش این اصل و تمسک به آن در تحلیل وقایع فرهنگی اجتماعی، اگر در مواردی، محل مناقشه باشد، در موضوعی همچون حجاب و عفاف آن‌هم در کشوری کهن سال و دارای سابقه دیرین در التزام قاطع به فرهنگ مذهبی و مظاهر آن همچون ایران، هیچ جای تأمل و تردید باقی نمی‌گذارد. نفوذ استعمار قدیم و جدید، قضایای کشف حجاب، سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی، تهاجم فرهنگی سنگین، برنامه‌ریزی شده و پرگستره در سال‌های بعد از انقلاب؛ عمده‌ترین عوامل موثر در ایجاد و تحمیل وضعیت موجودند.

نیازی به ذکر نیست که برغم کلیشه‌سازی و سوگیری غالب، موضوع حجاب و عفاف، اختصاصی به بانوان ندارد و از نقش و مسئولیت بسیار مهم مردان، در این معادله به هیچ وجه نباید غفلت کرد.

### ضعف تربیت اجتماعی و جامعه پذیری از عوامل بی‌حجابی

برگردیم به تبیین دو دسته عوامل موثر. در بخش عوامل فردی که البته غالب آنها خود از عوامل ساختاری و گفتمان فرهنگی حاکم بر جامعه مدرن و تجربیات زیستی انسان معاصر متاثر و منشق‌اند و کشور ما نیز در چرخه توسعه آفرینی نوین و نیز به تبع روند جهانی شدن و موضوع تهاجم فرهنگی، از پیامدهای آن بی‌نصیب نمانده است؛ می‌توان به مواردی اشاره نمود. نیازی به ذکر نیست که تفکیک میان جنبه‌های عاملی و ساختی، بیشتر ذهنی است تا عینی. اهم عواملی که در ساحت فرد و جلوه‌های رفتاری وی تبلور و تجسم دارند عبارتند از: ضعف تربیت اجتماعی و جامعه پذیری متناسب با معیارهای دینی و به بیان دیگر ضعف عفاف (چه حجاب جلوه ظاهری عفاف باطنی و طهارت روحی است)؛ ضعف اطلاعات نهادی شده از حجاب و عفاف (فلسفه وجودی و ضرورت‌های کارکردی آن)؛ غلبه توجه به بدن و چهره و تبدیل آن به ابژه‌ای برای ملاحظات مختلف؛ غلبه فردگرایی، تمایل به تک روی و عدم تمکین از قواعد اجتماعی و ترجیح عمل بر اساس خودپنداره‌ها (قشر جوان و نوجوان غالباً علاوه بر تمایل به فردگرایی و خود محوری به عنوان یک عارضه تمدنی، از قدرت ریسک بالا در ناهمسویی و نقض قواعد متعارف برخوردار است و آن را برای خود نوعی جسارت ستودنی می‌شمرد.

آستانه تحمل بالای جامعه در چشم پوشی از رفتارهای انحرافی ایشان، این جسارت ورزی را تشدید می‌کند؛ میل به اباحی‌گری و تساهل در تامین انتظارات اخلاقی جامعه (که باز به عنوان یک عارضه تمدنی در کاهش

احساس وابستگی به جمع و بی مسئولیتی در قبال جامعه و فرهنگ عمومی ریشه دارد؛ تلقی نسبی بودن، زمینه‌ای و متنی بودن الگوهای رفتاری و قراردادهای پوششی؛ غلبه ذهنیت تشابه انگاری (به عنوان یکی از آموزه‌های محوری فمینیسم. در بخش حجاب و عفاف نیز توقع برخی خانم‌ها این است که آستانه تحمل جامعه باید برای تک روی و تنوع طلبی و احیانا هنجارشکنی مردان و زنان، یکسان باشد)؛ ضعف تعلق به فرهنگ خودی و عدم اعتقاد به مطلوبیت و اعتبار معیارهای پذیرفته شده (که در واقع بخشی از آن به ضعف جامعه و سازمان‌های فرهنگی در افناع سازی ارزش‌ها و الگوهای زیستی برمی‌گردد)؛ ضعف تعهد و احساس مسئولیت اجتماعی (و اهمال در رعایت وظایف شهروندی و انتظارات معطوف به حوزه عفت عمومی و بهداشت فرهنگی)؛ عدم توجه به جنبه‌های قانونی سطوحی از این الزام و مجرمانه بودن رفتارهای ناهمسو؛ عدم توجه به هزینه‌هایی که فرد متخلف از این طریق بر جامعه خود و بنیاد های معنوی و روانی آن تحمیل می‌کند؛ تجربه حضور در مکان‌های مختلط و کاهش تدریجی حساسیت‌های اخلاقی؛ تاثیر پذیری از موج‌های فرهنگی وارداتی (از طریق ماهواره، اینترنت، فیلم‌های سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، عکس‌ها، موسیقی‌ها، کتب، مجلات و سایر محصولات فرهنگی آلوده به ویروس عفت ستیزی و حیا گریزی)؛ الگو پذیری از گروه‌های مرجع بیگانه؛ تجربه بحران‌های هویتی تحت تاثیر زندگی در فضای متکثر و چهل تکه و کسب هویت‌های چند لایه؛ تجربه شکاف‌های میان نسلی (کاهش تدریجی اقتدار والدین و خانواده، عدم تمایل به الگو گیری آگاهانه از والدین، عقب نشینی والدین و واگذاری وظیفه تربیت اخلاقی فرزندان به سایر نهادها، اشتغال بیرونی والدین و عدم اهتمام به نیازهای تربیتی و عاطفی - روانی فرزندان، شیوع پدیده فرزند سالاری)؛ فردی و شخصی انگاشتن پوشش و غیر مجاز شمردن دخالت دولت و جامعه در آن؛ تفسیرهای سلیقه‌ای از حجاب و وجود برخی شبهات تلقینی (همچون تلقی حجاب به عنوان مأمنی برای دور ساختن زنان از آسیب تعرض مردان، مهار هواهای لجام گسیخته و ترمیم ضعف‌های نفسانی مردان، پرداخت تاوان ضعف‌های اخلاقی مردان، نقش حجاب در افزایش کنجکاوی و تحریص بیشتر مردان به نگاه‌های دزدانه؛ میراث دوران ریاضت کشی زن و دوربودن از ضرورت مشارکت در جامعه، ایجاد مانع در مسیر آزادی و تحرک اجتماعی، عامل افزایش طمع و شدت توجه مردان و افزایش حساسیت‌های جنسی).

### جنبه‌های روان‌شناختی بی‌حجابی

برخی عوامل نیز بیشتر جنبه روان شناختی یا روان شناختی اجتماعی دارند که باجمال به برخی از آنها اشاره می‌شود: فرافکنی برخی عقده‌ها و گره‌های روانی و ضعف‌های شخصیتی (که یکی از نمودهای آن، اهتمام وافر به جلب توجه و نگاه و تحسین دیگران از طریق رفتارها و جلوه‌نمایی‌های نامتعارف است)؛ میل به تبرج، تزئین، خودنمایی، خودآرایی و عشوه‌گری در جمع (بویژه در دختران جوان) که جلوه‌نمایی کاذب آن، خود را در پدیده موسوم به مدگرایی نشان می‌دهد؛ میل به لذت‌جویی و غلبه کنش‌های التذادی بر کنش‌های تدبیری (که جلوه بارز آن میل به کنش‌ها و واکنش‌های اروتیک یا شبه اروتیک است)؛ نوسانات یا اختلالات شخصیتی، ضعف احساس عزتمندی و کرامت نفسانی، ضعف اعتماد به نفس عاطفی و رفتاری (یعنی ضعف در مدیریت عواطف و رفتارها یا خودکنترلی و خویش‌تنداری متناسب) [و به بیان فرویدی: عدم متابعت نهاد (بخش غریزی شخصیت) از خود برتر که تبلور ارزش‌های اجتماعی است]؛ ظاهرگرایی و اصالت دادن به صورتک‌های ظاهری و تن‌نمایانه و غلبه توجه به جنبه‌های آرایشی و نمادین لباس به جای جنبه‌های پوششی و ابرازی آن؛ احساس‌گرایی و ضعف خردورزی (اینکه فرد استحسانات شخصی، ذوقی، تخیلی و متغیر خود را مبنای رفتار قرار می‌دهد و در عین حال، نسبت به تبعات فردی و اجتماعی آن بی‌توجه و بی‌مسئولیت است)؛ تمایل برخی دختران به استفاده از جلوه‌های پوششی و آرایشی برای همسریابی مطلوب؛ الگوی پوشش همچنین ارتباط تنگاتنگی با الگوی ارتباط دارد و گاه بدپوشی، جاذبه بیشتری برای جلب توجه و سهولت ارتباط با دیگران دارد.

### رسا- عوامل محیطی و ساختاری موثر در بی‌حجابی کدامند؟

در بخش عوامل محیطی و ساختاری نیز می‌توان به مواردی اشاره نمود که اهم آنها از این قرارند: ضعف فرهنگ سازی و جامعه‌پذیری (موانع و مشکلات موجود در فرایند انتقال فرهنگ مذهبی و تبدیل باورها و ارزش‌های آن به قواعد رفتاری متناسب با اقتضائات زمان و مکان و نیازهای گروه‌های مختلف سنی و جنسی و به بیان دیگر، ضعف عملکرد نهادهای فرهنگی مسوول در اقع‌سازی و باوراندن ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی - مذهبی)؛ زندگی در شهرهای بزرگ (فشرده‌گی جمعیت و تراکم اخلاقی، تشدید فردگرایی، آزادی نسبی و کنترل ناپذیری محیط، تنوع و تکرر الگوها و سبک‌های زیستی، کاهش وجدان جمعی، ضعف جنبه‌های نظارتی افکار عمومی، ارتباطات گسترده با سایر قلمروهای فرهنگی، جریان یابی مهارناپذیر موج‌های فرهنگی متداخل، کاهش تعلق به فرهنگ خودی، تجربه حضور در محیط‌های مختلط و در نتیجه رقیق شدن حریم‌ها و کاهش

حساسیت‌های اخلاقی و...؛ ضعف نظارت و کنترل اجتماعی رسمی ( بگذریم از اینکه برخی به بهانه شخصی بودن موضوع حجاب و عفاف، دخالت دولت و نهادهای رسمی را در آن غیر مجاز تلقی می‌کنند)؛ ضعف نگاه استراتژیک دولت به موضوعات فرهنگی از جمله موضوع حجاب و عفاف؛ عملکردهای ناصواب برخی دولت‌مردان و اتخاذ سیاست‌های متشتت و متناقض؛ توطئه‌های فرهنگی بسیار گسترده و متنوع دشمنان انقلاب ( تحت عنوان تهاجم، شیخون، جنگ نرم و ناتوی فرهنگی و موقعیت کانونی حجاب و عفاف در این رویارویی)؛ عملکردهای نامتوازن و بی قاعده سازمان‌های مسئول در سنوات اخیر در برخورد با پدیده بی‌حجابی و بی‌حجابی و موضوعات مربوط به آن؛ فقدان طراحی و معرفی الگوی پوششی و رفتاری پذیرفته شده متناسب با شرایط موجود و نیاز اقشار مختلف (با توجه به همه متغیرهای دخیل)؛ تعدد و تکثر کارگزاران جامعه پذیرکننده و ناهمخوانی آنها در تفسیر آموزه‌های فرهنگی، قواعد هنجاری مطلوب و نامطلوب، ونحوه واکنش به موارد نقض آنها؛

وقوع برخی تغییرات آرام و خاموش در سبک‌های زیستی مردم و انعکاس آن در موضوع پوشش و حجاب؛ سیاسی شدن موضوع بدحجابی و بی‌حجابی و تبدیل آن به ابزاری برای ابراز جهت‌گیری و تمایل سیاسی در شرایط مختلف و نسبت به موضوعات مختلف؛ عملکرد متشتت و متناقض رسانه‌های جمعی بویژه رسانه ملی در برخورد با موضوع حجاب و پوشش و ضعف جدی در الگو سازی و الگو دهی؛ تاکید مبرم بر چادر به عنوان تنها الگوی پوششی مقبول و غفلت از الگوهای محتمل جایگزین (متناسب با ذائقه‌های مختلف، گونه‌های شغلی متفاوت، مکان‌های حضور با اقتضائات متفاوت، گروه‌های سنی مختلف، اقلیم‌های فرهنگی متعدد)؛ ضعف آگاهی و حساسیت غالب مدیران نسبت به توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و حاکمیت ارزشهای دینی و اخلاقی در مجموعه‌های تحت مسئولیت ایشان؛ بالارفتن سن ازدواج، شیوع بیکاری و انعکاس آن در لجام گسیختگی‌های رفتاری؛ ضعف نظارت بر واردات محصولات فرهنگی؛ ضعف فاحش در تولید محصول فرهنگی و هنری مناسب؛ ضعف نظارت بر فرایند تولید و توزیع محصولات فرهنگی ناظر به موضوع حجاب و عفاف؛ ضعف توجه به اتخاذ تدابیر لازم جهت تولید و توزیع اقلام مورد نیاز جامعه در موضوع حجاب (دست رسی آسان و مقرون به صرفه عموم به پارچه و البسه منطبق با الگوهای اسلامی، حمایت از طراحان و تولید کنندگان داخلی همسو)؛ ضعف برخورد با ناشران ابتدال و واردکنندگان البسه غیر متناسب با فرهنگ عفاف و حجاب (نیازی به ذکر نیست که امروزه به دلیل شیوع پدیده صنعت فرهنگ و گره خوردن موضوعات فرهنگی

از جمله حجاب به منافع سوداگرانه و اقتصادی، انگیزه‌های بسیار زیادی برای دامن زدن به مد گرایی، تنوع زایی، مصرف گرایی، تن آرای، لذت جویی و... در گستره جهان پدیده آمده و کشور ما نیز تا حد زیاد از آن متأثر بوده است)؛ مغفول ماندن سنت امر به معروف و نهی از منکر و عدم مشارکت هدایت یافته عموم در مسائل و موضوعات اجتماعی؛ ضعف مشارکت سازمان‌های مردم نهاد و هیئات مذهبی در رفع بحران‌های اجتماعی و موضوع حجاب و عفاف؛ ضعف اهتمام حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در تامین نیازها و ضرورت‌های پژوهشی و مطالعاتی این بخش بویژه مطالعات کاربردی؛ فقدان علوم اجتماعی بومی رشد یافته، بویژه آن نوع علمی که فراتر از جنبه‌های توصیفی، تبیینی، تفسیری و توجیهی، بتواند از طریق مطالعات انتقادی و تجویزی جامعه اسلامی را در مسیر اهداف و آرمان‌های متعالی اش جلو ببرد.

رسا- تامین امنیت بارویکردهای موجود در نیروی انتظامی نظیر رویکردهای سلبی گشت ارشاد و... امکان‌پذیر است یا خیر؟ به عبارت بهتر تحقق نظام‌مند پدیده‌های اجتماعی در عینیت اجتماعی چگونه است؟ تلفیقی یا سلبی و یا ایجابی؟

بدون شک اتخاذ سیاست‌های تلفیقی در این خصوص مناسب و مفید خواهد بود. تلاش‌های در خور تقدیر نیروی انتظامی و گشت ارشاد و ستادهای احیاء امر به معروف و نهی از منکر، برغم اهمیت و اثربخشی اجمالی، ضرورت اقدامات همه جانبه فرهنگی مناسب و مقتضی توسط نهادهای دولتی و مدنی جهت اقناع‌سازی و ترغیب و تشویق عموم به رعایت عملی این هنجار و پرهیز از ناهمسویی آگاهانه و ناآگاهانه و نیز ضرورت اصلاحات ساختاری متناسب را منتفی نمی‌سازد. اقتضای چنین منطقی مجموع اقدامات بایسته در این خصوص نیز این است که فعالیت‌هایی نظیر آنچه گشت ارشاد بدان مامور و مکلف شده و در عمل بدان توسل می‌جوید، قاعدتا باید بعد از انجام اقدامات مقتضی فرهنگی به مثابه پیش نیازها و مقدمات ارادی رفتار آگاهانه و اختیاری ضرورت یابد. البته تردید نمی‌توان کرد که برخی افراد حتی برغم اعمال و اجرای قوی‌ترین، موجه‌ترین و مطبوع‌ترین راهبردها و راهکارهای فرهنگی نیز به دلیل فقدان تعلق فرهنگی به جامعه خود، تمایلی به تامین این انتظارات نخواهند داشت.



گفتنی است که گشت ارشاد در بخش تذکارات خیابانی عملاً به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حیطه‌ای که فقه به دولت اسلامی ماموریت داده، ایفای نقش می‌کند. انجام وظیفه مذکور از سوی این نیرو، مانع دخالت و مشارکت دیگران بویژه عموم مردم هر چند در قالب های ستادی و هدایت شده، نیست.

### وظایف و رسالت فرهنگی دولت اسلامی

در هر حال، چنین به نظر می‌رسد که برای رسیدن به سطح آرمانی مطلوب یا دست کم کاهش فاصله و امکان کنترل برنامه ریزی شده محیط و هدایت روندهای عادی در مسیرهای همسو با انتظارات فرهنگی جامعه و نظام اسلامی، انجام یک سری اقدامات به هم پیوسته اجتناب ناپذیر خواهد بود. برخی از این اقدامات و بایسته‌ها متناسب با وظایف و رسالت فرهنگی دولت اسلامی از این قرارند: تلقی بی‌حجابی و بدحجابی به عنوان یک معضل فرهنگی بسیار مخرب و در عین حال اصلاح پذیر؛ انجام مطالعات و تحقیقات گسترده و روشمند برای شناسایی دقیق وضعیت موجود، روندهای جاری و برآورد وضعیت‌های محتمل در آینده؛ شناسایی علل و عوامل موثر در ایجاد و تشدید این معضل روزافزون؛ بازبینی و اعتبار سنجی سیاست‌ها و اقدامات اعمال شده در سنوات اخیر و نتایج بدست آمده؛ پایان دادن به سیاست‌های مذبذب و سلیقه‌ای و تغییر رویه‌های مکرر و توجیه ناپذیر؛ طراحی و تدوین نظامی جامع از سیاست نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی سلسله‌مراتبی و دارای چینش طولی نظاموار متناسب با خواسته‌ها و نیازها، انتظارات و مطالبات، اقتضائات زمانی و مکانی، امکانات و مقدرات و موانع و چالش‌های موجود؛ تمهید کارشناسانه ملزومات اجرایی این سیاست‌ها؛ تعیین دقیق وظایف و ماموریت‌های نهادها و سازمان‌های رسمی مسئول، سازمان‌های مدنی مردم نهاد، کانون‌های مذهبی و عموم مردم؛ ایجاد هماهنگی برنامه ریزی شده و متوازن میان این مجموعه‌ها از طریق مدیریت ستادی؛ تمهید ضمانت اجراهای لازم برای تحقق به موقع هر یک از سیاست‌های مرحله‌ای؛ تقویت انگیزه در بدنه مدیریتی و اجرایی کشور متناسب با نیاز پروژه؛ نظارت و مراقبت و رصد هوشمندانه اوضاع فرهنگی اجتماعی کشور به صورت مستمر؛ تلاش همه جانبه جهت فرهنگ سازی متناسب از طریق اقدامات متوازن سازمان‌های فرهنگی تبلیغی مسوول؛ طراحی و تدوین الگوهای پوششی مطلوب متناسب با سطح نیاز و پرهیز از اصرار و الزام به یک الگو برغم تفاوت و تنوع ضرورت‌ها و اقتضائات و موقعیت‌های متفاوت گروه‌های هدف؛ تمهید امکانات جهت دست‌یابی آسان و ارزان به البسه‌الگویی و مورد توصیه؛ شناسایی و تا حد امکان منسب یا محدود ساختن مجاری ورود اقلام فرهنگی ناهمخوان و مخرب؛ مخالفت عملی با مطالبات ناهمخوان و دیکته

های تحکم‌آمیز سازمان‌های بین‌المللی؛ نظارت بیشتر بر محصولات فرهنگی مورد استفاده قشر نوجوان و جوان (مثل فیلم‌ها و سریال‌ها، بازی‌ها، شبکه‌های اجتماعی، کتاب‌ها، نشریات، عکس‌ها، موسیقی‌ها و...); نظارت بیشتر بر ابعاد فرهنگی اماکن محل حضور قشر نوجوان و جوان (نظیر سینماها، ورزشگاه‌ها، سالن‌های ورزشی، مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش آزاد، تالارها، پارک‌ها، قهوه‌خانه‌ها، آرایشگاه‌ها و...); برخورد قاطع با عوامل نشر دهنده ابتدال.

اعمال سیاست‌های تشویقی در سطوح مختلف برای تقویت موضع ملتزمان به رعایت هنجارها بویژه سازمان‌های فعال در این بخش؛ اصلاح نظام آموزشی با هدف اهتمام به رشد شخصیت، بلوغ همه جانبه، پرورش اخلاقی، تقویت هویت جنسی، رشد اخلاق جنسی و آموزش الگوهای تعامل جنسیتی متعلمان؛ سرمایه‌گذاری همه جانبه برای رشد تدریجی علوم اجتماعی بومی با رویکرد اسلامی و متناسب با نیاز با هدف تقویت بنیه علمی و پژوهشی نظام مدیریت کشور در سطوح مختلف؛ احیا، ترویج و تقویت سنت امر به معروف و نهی از منکر در سطح توده‌ها؛ حمایت برنامه‌ریزی شده از امران به معروف و ناهیان از منکر و تقویت اقتدار آنها؛ برنامه‌ریزی و تلاش سازمان یافته برای رفع تدریجی مشکلات موجود در مسیر کاریابی، اشتغال، ازدواج و مسکن جوانان؛ و... در هر حال، از دولت اسلامی انتظار می‌رود که در همه سیاست‌ها و تدابیر ریز و درشت اتخاذ شده مصالح جمعی و نه لزوما رضایت جمعی را منظور نظر قرار دهد.

### رسا- مسأله حجاب چگونه میان نسل جدید بانوان جلوه پیدا کرده است؟

تردید نیست که حجاب و عفاف از بنیادهای قوی و خدشه‌ناپذیر فطری و غریزی، فرهنگی و اجتماعی، و دینی و مذهبی برخوردار است. به لحاظ تاریخی، نیز طبق مطالعات مردم‌شناختی، ریشه‌ای کهن در تاریخ بشر و جوامع مختلف انسانی دارد. همچنین طبق مطالعات، تا قبل از تمدن صنعتی و غلبه مدرنیسم در غرب و وقوع تحولاتی عمیق در سبک زندگی بویژه رواج برهنگی، و نیز ظهور پیاپی موج‌های فمینیستی در جهان و مناقشه عام در الگوهای زیستی سنتی از جمله الگوی پوشش و نیز اجرای برخی سیاست‌های ناسنجیده همچون کشف حجاب در ایران؛ در خاستگاه طبیعی، اصالت تاریخی، موقعیت ارزشی و ضرورت‌های کارکردی آن، مناقشه در خوری از سوی جریان‌های مختلف اظهار و ابراز نشده و به عکس، این ویژگی‌ها مورد اتفاق و اجماع همگان بوده است. مناقشات و انتقادات طرح شده از سوی برخی جریان‌های فمینیستی نیز، عمدتاً به کم و کیف و

فرم‌های فرهنگی و اشکال اجرایی حجاب و عفاف در جوامع و اقلیم‌های فرهنگی مختلف ناظر بوده، و به اصل آن به عنوان یک نیاز فطری و طبیعی و یک ضرورت اجتماعی، تعرضی ندارد.

نکته دیگر اینکه غالب باورها و ارزش‌های فرهنگی بویژه عناصر سنتی و ریشه دار آن عمدتاً از زیرساخت‌های طبیعی و منطق اقناعی و ترغیبی در خوری برخوردار بوده و هستند و اساساً نفس استمرار تاریخی این عناصر بواسطه اهتمام عملی عموم عقلا و متشرعان، برغم تحولات گسترده و پایان ناپذیر واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع انسانی، خود دلیل گویا و مبرمی بر مقبولیت و کارآمدی این دسته از سنت‌ها و ارزش‌های بشری است. بی شک، حجاب و عفاف با محوریت معیارهای دینی مشمول این اعتبار سنجی جهان‌شمول است.

### رسا\_ فرهنگ حجاب آیا سنتی مذهبی است یا همراه با تعقل و تفکر؟

در پاسخ به سوالتان باید عرض کنم که سنتی یا مذهبی بودن یک ارزش یا هنجار لزوماً به معنای تبعیدی بودن پذیرش آن برغم توجیه پذیری عقلانی و عقلایی نیست. اتفاقاً حجاب و عفاف در چارچوب ضوابط شرعی و اسلامی از جمله ارزش‌هایی است که هم بیشترین تناسب را با ظرفیت‌های وجودی، اقتضائات روان شناختی و ویژگی‌های طبیعی شناخته شده زن و مرد دارد و هم بیشترین تناسب کارکردی را با ضرورت‌های زندگی اجتماعی و اقتضائات نقش‌ها و موقعیت‌های معمول این دو قشر در جامعه و در عرصه فعالیت‌های اجتماعی دارد. پیامدهای فردی و اجتماعی مخرب ناشی از بی‌مبالاتی انسان مدرن در التزام عملی به این سنت فطری و الهی بویژه آثار ناشی از رواج و اشاعه برهنگی زنان، خود دلیل گویایی بر عقلانیت این سنت کهن و کارآمدی بلامنزاع آن در تامین اهداف و غایات انسانی در زندگی اجتماعی است.

گفتنی است که برخی از نقدها و خرده‌گیری‌های طرح شده از سوی جریان‌های فمینیستی و سایرین در منابع علمی متعددی که تاکنون در باب حجاب و عفاف نگارش و تالیف یافته، مطرح شده و بدان‌ها پاسخ داده شده است. علاقمندان به این حوزه را به دو کتاب وزین استاد شهید مرتضی مطهری تحت عنوان «حجاب» و «نظام حقوق زن در اسلام» ارجاع می‌دهیم. برخی از این مناقشات در ضمن پاسخ به سوال دوم به اجمال اشاره شد.

در هر حال، چندان خلاف واقع نیست که بی‌حجابی و بدحجابی برخی از زنان جامعه ما به وجود ذهنی چنین مناقشاتی در چرایی حجاب و عفاف مستند باشد اما بی شک، این همه ماجرا نیست و اگر افرادی دغدغه پاسخ‌یابی برای انتقادات و سوالات خود در این خصوص دارند، براحتی می‌توانند از پاسخ‌های عرضه شده در منابع

مربوط بهره‌گیرند. بدیهی است اگر موضوع حجاب و عفاف با این همه دلایل متقن طبیعی، تاریخی، فرهنگی و دینی مورد مناقشه قرار گیرد، تکلیف سایر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی روشن است.

رسا- به نظر شما مداخله حکومت در عرصه حجاب الزامی است؟ به عبارت بهتر آیا قانونمندی در حجاب در جامعه اسلامی لازم است یا خیر؟ فکرمی کنید اکنون بستر اجتماعی این قانونمندی فراهم است؟

به زعم من دخالت مستقیم و غیر مستقیم دولت (بویژه دولت‌های مدرن در جهان معاصر) در مطلق امور اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر و پذیرفته شده است آنچه جای بحث و گفت و گو دارد، نه اصل دخالت که کمیت و کیفیت آن است. این مسلم است که حجاب و عفاف به عنوان یک الگوی پوششی رفتاری (با عاملیت غالب زنانه) همواره و در طول تاریخ، به لحاظ سنخ‌شناسی هنجاری، جزو هنجارهای اخلاقی بوده و همچون سایر ارزش‌های اخلاقی در پرتو الزامات درونی و محیطی نظیر بینش‌ها و باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، علایق و سلیق، نیازها و خواسته‌ها، اولویت‌ها و ترجیحات فردی؛ جامعه‌پذیری و تربیت فرهنگی، نظارت‌ها و کنترل‌های محیطی، ضرورت‌ها و انتظارات حیات جمعی و... ضمانت اجرا و استمرار تاریخی یافته است. بدیهی است که در چنین وضعیت‌هایی، اساساً نیازی به دخالت هیچ نیروی قاهر و الزام‌کننده‌ای نیست. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که جامعه و دولت اسلامی به احیاء، ترویج و نهادینه ساختن تدریجی ارزش‌های دینی و مورد تأیید دین، همت گماشت، موضوع حجاب و عفاف هم به دلیل اهمیت فی‌نفسه و هم به دلیل ضرباتی که این سنت اصیل در نتیجه اعمال سیاست خائنانه حاکمیت پهلوی و نفوذ تدریجی مدرنیته متحمل شده بود، مورد بازبینی و بازخوانی فرهنگی قرار گرفت و تا سال‌ها بعد از انقلاب نیز هنجارحاکم بر آن همچنان اخلاقی بود یعنی حاکمیت جز در محیط‌های اداری و سازمانی رسمی و در خصوص کارمندان خود در این موضوع به صورت مستقیم و تحکمی دخالتی نمی‌کرد. بعد از سال‌ها خویش‌داری و به تعویق انداختن این مطالبه قطعی و خدشه‌ناپذیر، محرز و مسجل شد که عده‌ای از بانوان (و قلیلی از آقایان بویژه در شهرهای بزرگ) به دلایلی حاضر به تأمین این انتظار به حق و پذیرش این هنجار فرهنگی مذهبی متناسب با الگوهای تعریف شده نیستند.

### **بدحجابی و بی‌حجابی رفتاری مجرمانه**

سرانجام پس از بی نتیجه ماندن انواع اقدامات غیر رسمی نظیر اقناع سازی فرهنگی، توصیه‌ها و تذکرات مکرر محیطی و اعمال برخی محدودیت‌های ساختاری، نهادهای تقنینی کشور با وضع و ابلاغ قانون مجازات

اسلامی (در سال ۱۳۶۳) و قوانین متعاقب آن، دولت و نهادهای اجرایی را مکلف به دخالت در این امر کرده و از این پس بود که بی حجاب و برخی مصادیق بدحجابی به دلیل ناهمسویی با قوانین مصوب، رفتار مجرمانه تشخیص داده شد و البته اعمال این سیاست، اعتراضاتی را هم به لحاظ نظری و مفهومی و هم عملی و اجرایی به حاکمیت متوجه ساخت. استمرار فزاینده هنجارشکنی های برخی عوامل بویژه در همسویی و متابعت کامل از جریان پهن دامنه موسوم به تهاجم فرهنگی که در اشکال مختلف بویژه از طریق رسانه های جهان گستر اعمال می شود، عقلانیت و چاره ناپذیری این تصمیم را بر همگان مسجل ساخت. طرح برخی دعاوی همچون شخصی و خصوصی بودن موضوع پوشش و ناموجه بودن دخالت حاکمیت نیز در این خصوص به هیچ وجه مسموع و مقبول نیست. دلایل آن در جای خود به تفصیل و به صورت مستند بیان شده است.

### رسا- لطفا برخی از قوانین که در این موضوع تثبیت شده است را بیان فرمائید؟

در موضوع حجاب و عفاف، دولت اسلامی به اقتضای وظایف ترسیمی و محول خود مامور به سیاست گذاری، وضع قوانین، اجرای قانون و نظارت بر روند اجرای امور شده است. متعاقب همین ماموریت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان بالاترین مرجع تعیین ماموریت ها و وظایف فرهنگی نهادها و سازمان های رسمی کشور در قانون «گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» مصوبه ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۸۴، و طرح راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف مصوبه ۱۳۸۴ / ۵ / ۱۷، حدود ۲۰ سازمان وابسته به دولت را با تفکیک وظایف سازمانی مشخص به تامین این مهم در ابعاد مختلف ماموریت داده است. سازمان های مذکور عبارتند از: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (بویژه معاونت های درگیر در امر تولید و نظارت بر اقلام فرهنگی همچون کتاب، نشریات، فیلم های سینمایی، بازی های رایانه ای، موسیقی، ویدئوکلپ ها، کافی نت ها، سالن های تئاتر)؛ سازمان تبلیغات اسلامی، شورای فرهنگ عمومی، سازمان ملی جوانان، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت بازرگانی، نیروی انتظامی، صدا و سیما، ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شهرداری ها (سازمان فرهنگی هنری شهرداری ها)، سازمان تربیت بدنی.

بدیهی است که مشارکت دادن این مجموعه سازمانی عظیم به دلیل موقعیت ها، نقش ها، ظرفیت ها و محدودیت های ساختی و کارکردی بسیار متفاوت، بدون یک برنامه ریزی دقیق و کارشناسی شده و هدایت

گری ستادی، نتیجه ای جز آشفتگی اوضاع و اعمال سیاست‌های متشتت و بعضاً خنثی کننده و تداخل وظایف به دنبال نخواهد داشت. انتظار این است که دولت در قالب یک بسته مدیریتی جامع و تدوین برنامه اجرایی مناسب، زمینه مشارکت بهینه این سازمان‌ها همراه با نوع و نحوه مشارکت، ضمانت اجرا، تعیین شاخص‌های سنجش پذیر برای اندازه‌گیری میزان و نحوه مشارکت، تدوین سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، فرایند نظارت و کنترل بر عملکردها و... را به صورت مدون تمهید و ابلاغ نماید. دولت باید علاوه بر فعال سازی سازمان‌های مذکور، زمینه مشارکت هر چه بیشتر خانواده ها، سازمان‌های مدنی مردم نهاد و عموم مردم در قالب فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در این امر خصوص فراهم نماید.

نیازی به ذکر نیست که وضع قانون، تعیین و ابلاغ وظایف سازمانی برای تامین انتظارات این بخش هر چند لازم اما به هیچ وجه کافی نیستند. همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد دیدگاه‌هایی که رعایت حجاب را وظیفه اخلاقی شخص می‌پندارند یا دخالت دولت در امر حجاب به عنوان یک امر شخصی موجه نمی‌دانند، با این اقدامات و برنامه ریزی‌های حاکمیتی عمیقاً مخالفند.

منبع: خبرگزاری رسا